

مراکز کار را

تعطیل

علیه سرمایه

شماره ۲۴، فروردین ۱۳۹۹

معیشت و بهداشت و دارو و

درمان را رایگان
سازیم



رژیم اسلامی،
کشتار کارگران
حوزه درمان در
پاندمی کرونا

کووید 19،
واقعیت ها
و
جعلیات

کرونا و موج
اعتراض کارگران
در جهنم سرمایه
داری اسلامی

سرمایه
و
«نعمت»
کرونا

ویروس
کرونا و رژیم
اسلامی
سرمایه



رژیم اسلامی،

کشتار کارگران

حوزه درمان در

پاندمی کرونا

فقط هنگامی دست به کار مقابله شدند که فشار تیغ تشدید بحران سرمایه داری را بر گردن خود لمس نمودند. قیاس در اینجا برای افکندن پرتو بر ابعاد سببیت و بشرستیزی رژیم درنده اسلامی ایران است. فاشیسم اسلامی سرمایه با کارکرد سببانه بالا کل توده های کارگر را تسلیم پاندمی کووید کرد و در این راستا مهلک ترین و فاجعه بارترین ضربه ها را بر هستی کارگران بخش درمان وارد ساخت. برای لحظه ای در نظر آریم که در طول این مدت، در هر شهر، انبوه انسانهای حامل ویروس بدون آنکه خود بدانند، به دلیل مشکلات متنوع جسمی راهی بیمارستان ها، درمانگاهها و مراکز درمانی گردیدند و کارگران حوزه درمان از پرستار و کمک پرستار و بهیار گرفته تا پزشک و سایر کارکنان بدون داشتن هیچ آماده باش ویژه پزشکی، هیچ تدارک، هیچ سطح برنامه ریزی، هیچ حق گفتگو در باره بیماری، مجبور به پذیرش و مداوی این بیماران از جمله جمعیت وسیع حامل کرونا یا مبتلا به کووید شدند. کاری که سوی تسلیم گسترده و بدون قید و شرط کلیه بهیاران، پرستاران، کمک پرستارها، تکنیسین ها، پزشکان و در یک کلام همه کارگران حوزه درمان به طوفان مرگ آور کرونا، از سوی وحوش اسلامی سرمایه، هیچ معنای دیگری نداشت. رژیم چنین نمود و با این کار سایه مرگ را بر سراسر مراکز پزشکی و درمانی گسترده بیمارستان ها را قتلگاه کرد و شمار کثیر کارگران این بخش را به جوخه مرگ سپرد. این نه پایان سناریو که نقطه آغازش بود. با اعلام شیوع کووید، سیل بیماران به سوی بیمارستانها سرازیر شدند و این در شرایطی بود که پرستاران،

حدود ۲۷۰ برابر چین بوده است. سرچشمه انفجار آمیزی این کشتار ۲۷۰ برابری در کجا قرار دارد؟ پاسخ بسیار روشن و فارغ از هرگونه ابهام است. جمهوری اسلامی یک ماه تمام با سانسور فاشیستی کلیه اخبار مربوط به شیوع اپیدمیک کرونا در ایران، به این ویروس اجازه داد تا سراسر کشور از جمله کلیه بیمارستانها، داروخانه ها، درمانگاهها و مراکز پزشکی و درمانی موجود در این جهنم را آلوده و میدان یکه تازی هر چه موحش تر و وحشت انگیزتر خود سازد. رژیم به جای آنکه کلیه آحاد جامعه، کل ۸۰ میلیون نفوس جمعیت را در جریان مخاطرات مرگبار این اپیدمی قرار دهد راه هر گونه اطلاع رسانی به آنها را مین گذاری کرد، بحث درباره کرونا را توطئه دشمن خواند، گفت و شنود پیرامون بیماری را «اقدام علیه امنیت ملی» نامید، هر اعتراض به این توحش را با تمامی قدرت سرکوب کرد. دولت اسلامی این کار را انجام داد، صرفا به این خاطر که چرخه تولید سرمایه داری در چرخش باقی ماند، شط سودها خروشان باشد و هیچ ریالی از حجم سودها و سرمایه ها کاهش نیابد. به مقایسه رژیمهای ایران و چین در این رابطه وانفسا پرداختیم، آیا این بدان معنی است که آنچه در چین انجام یافته است هیچ شکلی از جهتگیری انسانی نداشته است؟! چنین تصویری حدیث جهل مطلق نسبت به شناخت سرمایه داری و توهم وحشتناک به ارتجاع هار بورژوازی است. سرمایه داران چینی و دولت آنها نیز تا جایی که پای جان کارگران در میان بود، همین جنایتها را انجام دادند، آنها هم

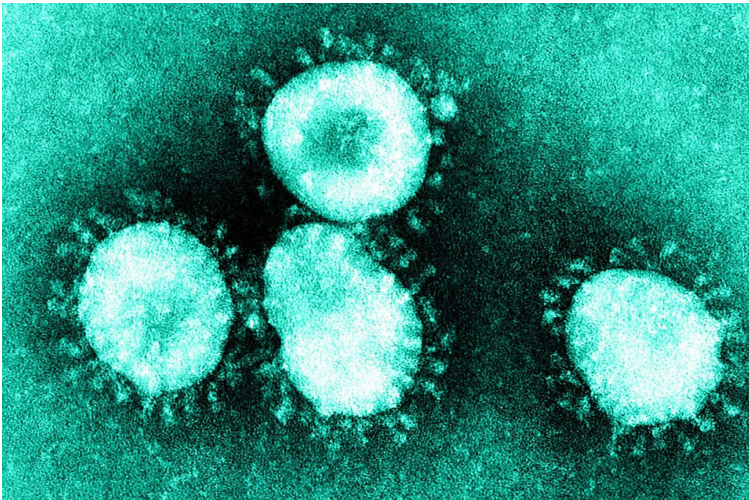
کثرت قربانیان حوزه درمان و شمار کارگران جانباخته بیمارستان ها بسیار وحشت انگیز است. آمار در رژیم اسلامی فقط جعلیاتی است که سرهم بندی می شود تا پرده پولادینی بر تکان دهنده ترین واقعیت ها و مخوف ترین رخدادها باشد. آنچه دولت روحانی در باره تعداد مبتلایان یا جانباختگان می گوید همگی از این جنس است. تا همین لحظه حاضر، عده بیماران کووید ۱۹ از مرز چند میلیون فراتر رفته است و شمار کشته شدگان از چند ده هزار افزون است. روند ابتلا و کشتار با شتابی رعب انگیز پیش می تازد و در این میان وضعیت کارگران بخش درمان از همه هولناک تر و فاجعه بارتر است. حتی اگر گزارش سراسر دروغ، مالمال از جعل و آکنده از فریب وزارت بهداشت رژیم را ملاک گیریم، تا پایان روز چهارشنبه ۲۱ اسفند، حدود بیست و هفت پرستار، بهیار و سایر کارکنان قلمرو درمان جانشان را از دست داده اند. آمار واقعی به طور قطع دهها بار بیشتر است. با همه اینها برای داشتن تصویری کمرنگ از ابعاد بربریت و جنایت فاشیسم اسلامی بورژوازی علیه کل طبقه کارگر ایران، به طور خاص کارگران حوزه درمان، کافی است به یک مقایسه بسیار ابتدائی چشم دوزیم. در کشور چین با جمعیتی قریب یک میلیارد و چهارصد و چهل میلیون نفر، شیوع انفجار آمیز کووید ۱۹ در مدت یک ماه و نیم اول، فقط ۶ کارگر بخش درمان را از پای درآورد. در جهنم سرمایه داری ایران، در زیر سیطره حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه، این بیماری فقط در فاصله دو هفته جان ۲۷ پرستار، بهیار و پزشک را گرفته است. مؤلفه های مربوط به کل جمعیت هر کدام از دو کشور، دوره زمانی مورد بررسی و آمار مرگ و میرها را در یک تناسب مرکب ریاضی کنار هم چینیم، به سادگی در می یابیم که آمار تلفات کارگران بخش درمان در ایران،

- بهبود، پزشکان، کارکنان دیگر حتی ابتدائی ترین امکانات درمانی را در اختیار نداشتند، ساده ترین وسائل حفاظتی از نوع ماسک، مواد شوینده و ضدعفونی کننده، لباس خاص اتاق درمان، تست های تشخیص بیماری، دستگاه های لازم سیتی اسکن، امکانات بسیار حیاتی سی سی یو و هیچ چیز دیگر در دسترس آنها نبود، کارگران درمان هیچ کدام این مایحتاج حیاتی را نداشتند و در همان حال باید مبتلایان را درمان می کردند!! معضل بنیادی و حیاتی دیگر کمبود شمار کارگران و کارکنان شبکه درمان در قیاس با کثرت وحشت انگیز تعداد مراجعان بیمار بود. حاصل مستقیم این تناقض فرساینده هلاکت زاء، تناقض میان کمبود فاجعه بار بهیار و پرستار و پزشک و امکانات دارو و درمان و تجهیزات پزشکی و بیمارستانی و درمانی در یک سوی و هجوم سیل وار مریضان مبتلا به کووید در سوی دیگر این شد که جمعیت موجود پرستار، بهیار، کمک پرستار، تکنیسین و پزشک، با نثار بی دریغ جان به چالش تناقض مرگ آور مولود نظام سرمایه داری و حاکمیت ددمنشانه اسلامی سرمایه برخیزد. کرونا و بیماری کووید در معیت فاشیسم هار بورژوازی با یکه تازی بدون هیچ مهار، جان انسانها را می گرفت و کارگران حوزه درمان باید با شمار اندک خود و فقدان هر گونه امکانات و تدارک لازم بهداشتی، درمانی، پزشکی و بیمارستانی برای نجات حتی المقدور جان انسانها تلاش می کردند. آنها چاره ای نداشتند سوای آنکه با مایه گذاری از جان خویش و عزیزانشان بار مصیبت سهمگین و انفجار آمیزی را که سرمایه و حاکمانش بر هستی دهها میلیون کارگر انداخته بود تا سرحد امکان کاهش دهند. تعداد کثیری از پرستاران و بهیاران حتی در طول روزها فرصت نیافتند که برای ساعاتی بیمارستان را ترک گویند، مجبور شدند شبها را در مراکز درمانی به صبح رسانند و یکسره مشغول کار باشند. وضعیتی که همچنان به گونه ای بسیار تکان دهنده و دردآمیز ادامه دارد. صدای پرستار فداکار، نستوه و زحمتکشی که با قلبی مالا مال از شور، شرف، احساس و عشق پاک انسانی می گوید: ۲۷ روز تمام است که از بیمارستان پای بیرون نگذاشته است، کودک دوساله خویش را در آغوش نگرفته است، به دیدن وی از پشت پنجره بیمارستان اکتفاء کرده است تا به مداوای بیماران کمک رساند، قطعاً هر انسان شرافتمندی را به تکریم و ستایش و می دارد. کارگران ایران فداکاری این بخش از طبقه خود را هیچ گاه از یاد نخواهند برد، درست همان گونه که در نثار سیل آسای نفرت و خشم رادیکال طبقاتی و جنبشی نسبت به وحوش حاکم بورژوازی، دولتمردان، نظامیان، ولی فقیه سفاک و دژخیم، روحانیت ضدبشر و
۲۶. افشار امیری متخصص روانپزشکی
۲۷. وحید ایروانی متخصص روانپزشکی
۲۸. علی شجاعی دستیار سال آخر ENT دانشگاه کرمان
۲۹. ایمان معینزاده پرستار بیمارستان کوثر آستانه اشرفیه
۳۰. سهیل کیانفر پزشک استان گیلان
۳۱. محسن خادم، ۳۰ ساله، پرستار اتاق عمل بیمارستان میلاد کاشان
۳۲. انوشه بیکیان، مامای بیمارستان الزهرا رشت
۳۳. مجید اردشیری پرسنل دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل
۳۴. منوچهر ساداتی دانشگاه علوم پزشکی بابل
۳۵. مرضیه حسینی نژاد پزشک دانشگاه علوم پزشکی بابل
۳۶. جواد جلالی نیا پزشک دانشگاه علوم پزشکی بابل
۳۷. هانیه عدالتی کارمند شاغل در واحد مدارک پزشکی بیمارستان شفاء تاکستان
۳۸. تهمینه ادیبی پرستار بخش اورژانس بیمارستان انزلی
۳۹. مجید اردشیری پرسنل دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل
۴۰. ایرج ابراهیم نژاد پزشک بیمارستان بابل
۴۱. فیروزه خوش گفتار کارمند دانشگاه علوم پزشکی گیلان محل کار دبیرخانه بیمارستان فومن
۴۲. یوسف موسوی پزشک بیمارستان شهرستان گالیکش
۴۳. اسماعیل بخشی پور کارگر بیمارستان رشت
۴۴، ۴۵ و ۴۶. سه پرستار آسایشگاه کهریزک که موفق به شناخت اسامی آنها نشدیم.
- کل ماشین قهر و سرکوب فیزیکی و فکری سرمایه داری قصور نخواهد ورزید. تعداد کشته شدگان بخش درمان بسیار دهشت زا است. از میان آنها ما با آوردن نام چند نفر، کمپین عظیم و پرشور انسانی کل کارگران و کارکنان این بخش در این روزها راج می گذاریم.
۱. ماهرخ جعفری پرستار بیمارستان تامین اجتماعی فیاض تهران
 ۲. نرگس خانعلی زاده بیمارستان لاهیجان
 ۳. غلامرضا وثوقی کیا بیمارستان رشت
 ۴. علی شیخ مرادی بیمارستان رشت
 ۵. رامین عزیزی فر
 ۶. پرستو صالحی
 ۷. جباری کمک پرستار
 ۸. رنجبران کمک پرستار
 ۹. حمید لطفی ارتوپد استان گیلان
 ۱۰. سیامک دیشلی پزشک اطفال
 ۱۱. رضا کوچکی نیا
 ۱۲. محمدعلی ربیعی پزشک
 ۱۳. مصطفی صمدی پزشک
 ۱۴. اردشیر شیران پزشک در اصفهان
 ۱۵. فرید نیروئی پزشک بابل
 ۱۶. محمدعلی بخشعلی زاده
 ۱۷. کورش گودرزی پور پزشک
 ۱۸. حبیب الله پیروی پزشک
 ۱۹. وحید منصف کسمائی دانشیار دانشگاه علوم پزشکی گیلان
 ۲۰. مهدی فتح آبادی پزشک بخش اورژانس
 ۲۱. سورنا میرمیرانی پزشک
 ۲۲. زهتاب
 ۲۳. سید آل حسینی کادر درمان بیمارستان گلزار
 ۲۴. محمد محمدی پزشک
 ۲۵. ناهید نوشاد، بهیار بیمارستان خصوصی گلزار گیلان

کووید-۱۹

واقعیت ها و

جعلیات



کووید-۱۹ مانند اکثر قریب به اتفاق ویروس ها به لحاظ پوسته خارجی خود که ترکیبی از چربی و پروتئین است در برابر گرما مقاوم نیست و با افزایش دما از فعالیتش کاسته می گردد. تا این جا مطلب علمی است اما این بدین معنی نیست که گرما بخودی خود این ویروس را از بین می برد. ناقل ویروس ها همواره نقش مهمی در رابطه با حفاظت آن ها و امکان فعالیتشان بازی می کنند. بطور مثال ویروس تب دنگی علاقه به گرما ندارد اما پشه ناقل، آن را در مناطق گرمسیری و مرطوب حمل می کند. همین طور کووید-۱۹ در بدن انسان ناقل و حتی در تب چهل درجه فعال است. بنابراین انسان در تمامی مناطق کره زمین می تواند ناقل کووید-۱۹ باشد و همه جا گسترش دهد کافی است همانطور که تا کنون بوده سدی بر راهش بسته نگردد. عطسه انسان مبتلا در هوای سرد و خشک این ویروس را در هوا معلق می کند. در این هوا کووید ۱۹ مدت بیشتری زنده و فعال است. اما با اطلاعات محدودی که تا کنون بدست آمده نمی توان گفت این ویروس مانند آنفلوآنزا بعد از مدتی خودبخود غیر فعال می شود. با وجود قرابت بسیار زیادی که عوارض و

برای مقابله با آن تا حدود زیادی مجهز است بهمین دلیل صرف سرماخوردگی فصلی به ندرت به مرگ و عارضه های حاد منجر می گردد. پیداست که دستگاه ایمنی بدن بیکار نمی نشیند. حتی بدن های نحیف کارگران رنج کشیده، کارگران حاشیه نشین همیشه گرسنه و بیش از میلیون ها بدن کودکان کار، دست از مبارزه بر علیه کووید-۱۹ بر نمی دارند. اما هیچ اطلاعاتی در مورد حاصل این نبرد، مصونیت و ایمنی ناشی از آن، مدت زمان پایداری مصونیت وجود ندارد بلکه برعکس گزارشاتی دال بر این است که مبتلایان چینی بهبود اعلام شده دوباره علائم مریضی را نشان داده اند. علاوه بر این اطلاعات کافی در مورد قابلیت جهش ژنی (Mutation) کووید-۱۹ وجود ندارد لذا ریسک این که بدن یک بار دیگر و یا سال آینده مورد هجوم موفق آن قرار گیرد وجود دارد. همه ما می دانیم که واکسن ویروس های آنفلوآنزا فصلی بهیچ وجه به شکل اولیه عمل نمی کنند زیرا ویروس ها یاد می گیرند که با تغییر بخصوص لایه بیرونی خود سیستم دفاعی بدن را گمراه کنند. هوای سرد و خشک برای ویروس هایی که در مجاری تنفسی انسان پخش می شوند و عمل می کنند، مناسب است. اما بدین معنی نیست که آن ها در مناطق گرمسیر فعال نیستند.

پیش از هر چیز باید تاکید کرد که همه شواهد علمی و تجربی نشان می دهند که تولید مثل و قابلیت گسترش ویروس کووید-۱۹ در واحد زمان بسیار بیش از سایر ویروس ها و اپیدمی ها در تاریخ است. همه نهادهای سرمایه، از سازمان جهانی بهداشت تا دولت ها با هدف مراقبت از سرمایه، سود، انباشت و خودافزائی غول آسای آن و عدم هزینه کردن دیناری برای حفظ جان و سلامت انسان ها آگاهانه به سرعت انتقال و زایش این ویروس واقعی نهندند و جهان را در شرایط آمادگی کاهش یافته ای قرار داده اند. بسیاری دولت ها و برنامه ریزان دولت های سرمایه با مقایسه قرار دادن این ویروس و سرماخوردگی فصلی و دستکم گرفتن قابلیت کشندگی کووید-۱۹ باعث عدم آمادگی پائین انسان ها گردیده و شرایط را برای پاندمی و کشتار انسان ها فراهم کردند. اینان حتی هم امروز با اعلام بهبود انسان ها به کارگران جهان دروغ می گویند. ویروس در بدن و خصوصا در شش های فرد مبتلا مدت ها (ماه ها) زنده است و حتی آن هایی که گفته می شود بهبود یافته اند حامل پنهان این ویروس اند. علاوه بر این کالبد شکافی اجساد فوتی ناشی از کووید-۱۹ نشان داده که حتی اگر انسان جان سالم بدر برد این ویروس باعث آسیب جبران ناپذیری به ریه ها و سیستم ایمنی بدن می شود. حتی اگر بیمار نیز درمان شود، آسیب به بافت ریه او باقی خواهد ماند. یک عارضه احتمالی، تنگی نفس است. یکی دیگر فیبروز است. فیبروز ریوی تشکیل بافت زخمی (Scar) در ریه ها است که در تنفس آزاد اختلال ایجاد می کند. ویروس کووید-۱۹ یک بار از حیوانی به انسان منتقل شده و از آن جا شیوع پیدا کرد لذا سیستم ایمنی و دفاعی انسان وسایل دفاعی کافی برای مقابله با آن را ندارد. ویروس آنفلوآنزا در مدت زمانی طولانی با انسان تماس داشته و سیستم ایمنی بدن انسان

محض اطلاع کارگرانی که از سرمایه داری خوب و بد می گویند!!

ایالات متحده امریکا عظیم ترین قطب قدرت صنعتی و مالی دنیای سرمایه داری است. تولید ناخالص سالانه اش از ۲۲ تریلیون دلار افزون است و هزینه جنگ افروزی ها، هولوکاست آفرینی ها و کشتارهایی که علیه بشریت راه می اندازد در هر سال بالاتر از ۷۲۰ میلیارد دلار است. امریکا اکنون مثل همه جا میدان یکه تازی و ویروس کرونا است. در امریکا سخن از بهداشت و درمان رایگان به کلی افسانه است و چنین چیزی مطلقاً وجود ندارد. دولت غول پیکرترین قطب صنعتی دنیای سرمایه داری، حتی حاضر به تهیه کیت مورد نیاز تست کرونا نیست. حتی از گذاشتن ماسک در اختیار میلیون ها انسان فقیر فاقد توان تهیه این وسیله حفاظتی امتناع می کند و این در حالی است که حدود ۴۰ میلیون جمعیت این کشور از جمله ۱۳ میلیون کودک، اسیر گرسنگی و فقر شدید هستند، از هر نوع امکان دارو و درمان محروم می باشند و اینک شیوع هولناک کووید ۱۹ جانشان را تهدید می کند. در چنین وضعی ترامپ مانند علی خامنه ای و حسن روحانی عریده می کشد که همه چیز امن و آرام است و بیشترین امکانات در اختیار همگان است!!

هنگامی که از پوشش و تجهیزات ایمنی کافی برخوردار نباشند بیش از دیگران از پا در می آیند.

آیا کووید-۱۹ بخودی خود و بعد از مدتی از بین می رود؟ پیداست که یک اپیدمی تا ابد باقی نمی ماند اما هیچ کس و هیچ مرکز علمی نتوانسته با دلایل روشن این مدت و میزان مرگ و میر را تعیین کند.

تکنیک های که برای شناسایی و تشخیص انسان مبتلا در جهان بکار می رود هیچ یک به تنهایی وسیله تشخیص مطمئن نیستند. کیت های آر ان ای و دی ان ای (RNA. DNA) می توانند تست انسان مبتلا را منفی نشان دهند لذا استفاده از تکنیک های سی تی اسکن (CT SCAN) و کیو آر (QR) بعنوان مکمل لازم اند. تنها راه مقابله با گسترش اپیدمی کووید-۱۹ تعطیل و بستن تمامی مرکز کار و تولید بجز مراکز درمانی، مراکز تولید و توزیع مواد غذایی، داروئی، شوینده و بهداشتی و سایر مراکز حیاتی است. هیچ دولت سرمایه داری تعطیل کار را بر نمی تابد. آن چه در این جا و آن جا، مرکزی و شرکتی تعطیل شده است کاملاً جنبه استثنائی دارد. همه دولت های سرمایه در عین این که از عدم تجمع و تماس سخن می گویند اما همین دولت ها بشدت از مراکز پر تجمع کار و تولید و ادامه روند همیشگی دفاع می نمایند. این که در این مراکز بیشترین تماس بین انسان های کارگر روزانه و هر ساعت و دقیقه صورت می گیرد و حاصل آن ها گسترش مرکزهای این اپیدمی است هیچ سرمایه داری را نگران نمی کند نگرانی فقط از کاهش سود و توقف روند تولید ارزش افزایی سرمایه است. ما کارگران حتی اگر شده می بایست برای نجات جان خود و خانواده هایمان کار را متوقف کنیم و برای توقف این اپیدمی و اپیدمی های دیگری که در راه اند اپیدمی اصلی و سبب واقعی یعنی سرمایه را سرنگون سازیم، کار مزدی را لغو کنیم و چون انسانی شایسته زندگی بر سرنوشت و زندگی خود مسلط شویم.

شواهد ابتلاء به کووید-۱۹ با آنفلوآنزای فصلی وجود دارد اما تفاوت هایی نیز نظیر سرفه های خشک، عفونت سریع ریه ها و تب شدید در اشخاص مبتلا به کووید-۱۹ دارد بطوری که تاثیر تعیین کننده آن هنگامی است که شدت بیماری به کاهش قابلیت اکسیژن دهی شش ها و خفگی و مرگ می انجامد. تمامی این شواهد و عوارض در افراد بستگی به قدرت دفاعی بدن، غلظت ویروس در شش ها و ضعف عمومی انسان مبتلا، دارد. در اکثر مواقع فرد مبتلا احساسی نظیر یک سرما خوردگی فصلی می کند، آب بینی، خستگی و کمی تب دارد و درست خطر در همین مرحله از گسترش و شیوع بیماری قرار دارد که فرد می بایست به مراکز تشخیص درست ابتلاء، بدون این که کارکنان این مراکز را نا آگاهانه در دام اندازد به نوعی درست و سازمان یافته، مراجعه کند. در تمامی این مدت می بایست تماس با دیگران را به حداقل رساند. در مراکز پر رفت و آمد و کار و تولید تردد نکرد و جلو عطسه و انتشار ویروس را گرفت. پوشش دهان و بینی بسیار مهم است. شستن دستان با صابون و آب گرم و مخصوصاً نوک انگشتان بمدت حداقل بیست ثانیه از واجبات است. تمامی داده هایی که در مورد مدت زمان زنده ماندن کووید-۱۹ این روز ها منتشر می شوند در شرایط آزمایشگاهی و غیر محیط طبیعی ویروس کسب شده اند بهمین دلیل می بایست آن ها را با احتیاط در نظر گرفت که کووید-۱۹ از چند ساعت تا چند روز زنده و فعال است. از اولین تماس با کووید-۱۹ تا اولین نشانه های بیماری بین دو روز تا دو هفته طول می کشد. طول این دوره نهفتگی به ظرفیت ویروس، غلظت آن در شش ها، سلامتی و قدرت مقابله سیستم دفاعی انسان مبتلا بستگی دارد. هم چنین شدت عارضه ها نیز بستگی به همین عوامل ذکر شده دارد. مثلاً کارگران بخش درمان در معرض بیشترین تهاجم در واحد زمان با بالاترین غلظت هستند پیداست که

شورایی و ضد سرمایه داری، متشکل شویم.



سرمایه و

«نعمت» کرونا

گونگون و به کمک راهکارهای متنوع انجام می‌گیرد. رسم سرمایه است که یکراست و زمخت، طولانی ساختن روزانه کار، بیکارسازی های گسترده، کاهش مستقیم مزدها، افزایش هلاکت زای شدت کار، بلعیدن سرمایه های کوچک توسط رقبای نیرومندتر و نوع اینها را پیش گیرد. مدتهاست سرمایه این کارها را در ابعاد بسیار عظیم و با ساز و کارهای اختاپوسی انجام می‌دهد. دولت و بازار بورس در این راستا، در سازماندهی این یورشها و تشدید این تهاجمات علیه زندگی توده های کارگر نقشی بسیار مخوف ایفا می‌کنند. کارکردی که به محض پاندمیک شدن کرونا شاهدش بودیم. در روزهای هفتم و هشتم اسفند بازار بورس نیویورک اعلام داشت که حدود ۴ تریلیون دلار ارزش خود را از دست داده است. رخدادی که برای تمامی بورسهای بزرگ دنیا از جمله انگلیس، آلمان، ژاپن هم اتفاق افتاد. ماجرا در بیست و ششم اسفند با ابعادی گسترده تر تکرار شد، این بار بورس نیویورک تا ۱۰ درصد، فرانسه ۹ درصد، آلمان ۸ درصد و مابقی همین حدود یا بیشتر به ورطه سقوط غلطیدند. اینکه ارزش کل سهام از دست رفته یا کاهش یافته در سطح بین المللی چه اندازه است؟ دقیقاً نمی‌دانیم اما در یک محاسبه ساده سرانگشتی تا حدود ۱۵ تریلیون دلار قابل تخمین است. معنای زمینی این رخداد چیست؟ بورژوازی القا می‌کند که سقوط ۱۵ تریلیون دلاری ارزش سهام مترادف با کاهش این رقم از ارزش کل سرمایه بین المللی است!! ظاهر ماجرا

سرکشی سونامی وار آن ناکام ماند. حجم انباشت خارجی ۱۰ کشور بزرگ صنعتی مرکب از امریکا و متحدانش که به یمن قتل عام هست و نیست توده های کارگر دنیا، لنگان، لنگان در سال ۲۰۱۱ بالاخره به ۱۷۰۰ میلیارد دلار رسیده بود، در ۲۰۱۲ روند افت پیمود، در ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ رفت تا جان گیرد اما باز کاهش پیدا کرد و تا سال ۲۰۱۸ به سطح ۱۱۰۰ میلیارد دلار سقوط نمود. در همین فاصله زمانی حجم بدهی این دولتها از ۳۵ تریلیون به ۵۱ تریلیون دلار صعود کرد. همه چیز با صدای بلند فریاد زد که دور تازه ای از انفجار بحران در راه است. سرمایه جهانی در چنین وضعی قرار داشت که ناگهان کرونا با یکه تازی وحشتناک از راه رسید. کرونا ظرفیتی سهمگین برای تعمیق بحران داشت. نیروی کار مورد استثمار سرمایه بین المللی را فلج می‌کرد و درصد چشمگیری را تسلیم مرگ می‌نمود. سرمایه حاصل استثمار کارگر یا کار مرده همین نیروی کار است و در شرایطی که کووید ۱۹، میلیون، میلیون کارگران را از کار کردن، استثمار شدن و تولید سود برای سرمایه باز می‌داشت، معلوم است که بحران سرکش سرمایه داری را هم طوفانی تر می‌ساخت. درست همین جا بود که سرمایه با تمامی قدرت خود وارد میدان شد. چه می‌توانست بکند؟ پاسخ روشن است. یگانه راه برای چالش افت نرخ سود و مقابله با بحران، هجوم پاندمیک علیه حداقل معیشت و امکانات زیستی طبقه کارگر جهانی بود. تهاجم وحشت انگیزی که به اشکال

روال طبیعی و هویتی سرمایه داری است که بر متن هر شرایط، در پیچ و خم هر رخداد و بر فراز هر وضعیت، کلیه راهکارهای ممکن و تمامی امکانات قدرت خود را برای کاهش هزینه بازتولید نیروی کار توده های کارگر به کار گیرد تا از این طریق سیل اضافه ارزش ها را طغیانی تر و حجم سرمایه های جدید الحاقی را کهکشانی تر سازد. اینکه سرمایه در این قلمرو تا کجا پیش تازد پرسشی است که پاسخ آن را صرفاً در آرایش قوای روز میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار می‌توان پیدا کرد. یک چیز خالی از ابهام است. سرمایه داری در این تهاجم هیچ مرزی نمی‌شناسد. مرز را جنبش کارگری است که می‌تواند تعیین کند و بر بورژوازی تحمیل نماید. آنچه این روزها در مورد کرونا در سطح جهان جریان دارد مصداق آشکار و بارز همین بشرستیزی هویتی سرمایه داری است. سرمایه از همان آغاز با تمام تدارک دست به کار شد تا «کرونا» را برای توده های کارگر دنیا فاجعه و برای خود فرصت سازد. برای درک بهتر ماجرا به پیشینه آن نظر اندازیم.

نظام سرمایه داری ۱۲ سال پیش بحران انفجارآمیز جهانی خود را ساز و کاری برای سلاخی بیش از پیش خورد و خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و درمان، آموزش یا امکانات اولیه معیشتی توده های کارگر تبدیل کرد. به همه برنامه ریزیهای ممکن دست زد تا شاید دور تازه ای از رونق، برای بخشی از سرمایه جهانی پدید آید. این تقلا زیر فشار تناقضات ذاتی سرمایه و

درست است اما در این میان مسائل اساسی بسیار تعیین کننده ای کتمان و جعل می گردد. بخش مهمی از این ۱۵ تریلیون دلار اوراق سهامی است که کارگران خریده اند، یا در واقع کار پرداخت شده سنار و سی شاهی خویش را «سرمایه مجازی» تراست های غول پیکر مالی و صنعتی نموده اند. در تاریکی زار دنیای روز که جنبش کارگری به ویژه در امریکا و اروپا قدرت پیکار ضد سرمایه داری خود را در گورستان نظم سرمایه دفن کرده است، جمعیت نسبتا کثیری از کارگران تامین آینده خود و فرزندانشان را در پرداخت سهمی از دستمزدها برای خرید سهام تراستهای عظیم می بینند. آنها با این کار چیزی به دست نمی آرند اما غولهای عظیم الجثه مالی با اضافه کردن بهای این اوراق، حجم سرمایه موجود خود برای پیش ریز در حوزه های سودآورتر را افزایش می دهند. سرمایه داران از این طریق سودهای کلان به چنگ می آورند و به محض پیدایش نشانه های بحران کل این اقلام را در چشم به هم زدن مصادره و از چنگ کارگران خارج می سازند. بخش دیگری از این ۱۵ تریلیون دلار متعلق به سرمایه داران کوچک است که بورس جهانی با اعمال مکانیسم پالایش سرمایه، مالکیت آنها را لغو می کند و به صاحبان سرمایه های عظیم تر می بخشد. بازار بورس با این کار چند اقدام مهم در راستای چالش بحران انجام می دهد. اول تریلیون ها دلار کار پرداخت شده طبقه کارگر را به کار پرداخت نشده یا سود و سرمایه تراست ها تبدیل می کند. ثانيا به سرمایه های بزرگ امکان می دهد رقبای کوچک خود را به ورشکستگی اندازند و با این کار پروسه پالایش سرمایه را محقق گردانند. به اهداف دیگری هم دست می یابد که در اینجا مجال طرح آنها نیست.

اینها فقط گوشه ای از تدارک سرمایه داری برای فرصت سازی از پاندمی کرونا به نفع ماندگاری خود است. یک گوشه دیگر آن را نقش بازی دولتها به گونه ای ضد انسانی تر برای تأمین همین هدف تعیین می کند. دولت ها تا جایی که به جان چند میلیارد کارگر سکنه زمین مربوط است راه را برای هجوم ویروس باز

گذاشتند. هر ریال هزینه برای چالش پاندمی را ریالی در کاهش سود دیدند و با تمامی توان از آن فرار کردند. در هیچ کجا حاضر به تعطیل هیچ کارخانه، هیچ مرکز کار و تولید، هیچ جزء چرخه تولید سود نشدند. از تأمین ابتدائی ترین امکانات درمانی مورد نیاز بیمارستان ها امتناع نمودند. همزمان کهکشانی ترین بودجه ها را برای جلوگیری از کاهش سود سرمایه ها تصویب نمودند و در اختیار تراست های غول پیکر مالی و صنعتی قرار دادند. در ایالات متحده فقط در یک قلم ۴۰ میلیارد دلار از حاصل استثمرت کارگران وقف خلاصی شرکتها از خطر بحران شد. دولت آلمان دهها میلیارد یورو ارمان سودآوری افزونتر سرمایه ها نمود. فرانسه حدود ۵۰ میلیارد یورو همراه با ۳۰۰ میلیارد یورو اعتبار بانکی به چالش بحران اقتصادی اختصاص داد. دولت سوئد در چند اقدام ضربتی نخست ۵۰۰ میلیارد کرون، سپس ۳۰۰ میلیارد کرون و سرانجام زیر نام های مختلف از جمله کاهش هزینه کارفرمایان تا ۵۰ درصد، حذف کامل سهم سرمایه داران در بیمه ایام بیماری کارگران، کاهش شدید مالیات موسوم به «کارفرمائی و لیستی از این اقدامات تا ۳۰۰۰ میلیارد کرون به چرخه تولید سرمایه داری کمک خواهد کرد. شاید خیلی ها تصور کنند که دولت ها به بذل و بخشش های حاتم وار اتمام کردند تا شاید از اخراج یک عده کارگر جلوگیری نمایند!!! اگر کسی چنین می پندارد شمع آجین توهم و شعور باختگی است. درست در همان دقایقی که این کمک ها سیل اسا راه حساب بانکی سرمایه داران را می پیمود، توده های کارگر فوج، فوج و چند هزار، چند هزار اخراج شدند. در همین سوئد ۱۰ میلیونی بیش از ۱۳۰۰۰ کارگر رستوران در عرض چند روز کار خویش را از دست دادند. تنها یکی از شرکت های هتلداری ۲۰۰۰ کارگر را تا چند روز پیش اخراج نموده است. در سطح جهانی توفان بیکارسازی راه افتاده است. فقط تراست سفر و گردشگری از بیکار شدن ۵۰ میلیون کارگر گفته است. این لیست به صورت وحشتناکی طولانی است.

نکته بنیادی سرنوشت طبقه کارگر جهانی در

روزهای آتی است. آنچه فعلا به چشم می آید صرفا قله کوه یخ است. سلسله جبال واقعی ترسناک تر از آنست که خیلی ها می پندارند. دولت ها برای نجات سرمایه از سونامی بحران، سطح بدهی را به عرش خواهند برد. آنها تا پیش از پیدایش کرونا ۵۱ تریلیون دلار بدهی داشتند. دقیق تر بگوئیم، ۵۱ تریلیون دلار به طبقه سرمایه دار پیشکش کرده بودند که از خورد و خوراک و پوشاک و آموزش و درمان طبقه کارگر سلاخی بنمایند. با غرش بحران این رقم چند برابر خواهد شد. رقمی که در سالهای آتی تا ریال آخرش از کارگران، از سفره بی نان، از آموزش و درمان نداشته آنان و نسلهای آتی آنها گرفته خواهد شد. دستمزدها آماج وحشیانه ترین تعرض ها قرار خواهد گرفت. بیکاری به اوج می رود، گرسنگی و فقر و فلاکت ابعاد آتشفشانی پیدا می کند. مدرسه ها با شتابی افزونتر از قبل برچیده می شوند، بیمارستانها یکی پس از دیگری تعطیل می گردند. سن بازنشستگی باز هم بالا خواهد رفت. بیمه بیکاری و بیماری سلاخی خواهد شد، سرمایه، شبیخونی سراسری و استراتژیک را علیه معیشت موجود کارگران دنیا آغاز خواهد کرد، برای این شبیخون هیچ مرزی قائل نخواهد شد و آن را تا عقب نشینی طبقه کارگر به یک سطح معیشت قرن نوزدهمی ادامه خواهد داد. آخرین و حیاتی ترین پرسش این است که جنبش کارگری در مقابل این جنگ جنایتکارانه سرمایه داری چه خواهد کرد. پاسخ این سؤال مشکل است اما یک نکته روشن است. شبیخون سرمایه داری هیچ نقطه پایانی نخواهد داشت و این در حالی است که طبقه کارگر بین المللی هم دیگر جانی برای عقب نشینی باقی نگذاشته است. شواهد می گوید که کارگران سوای افراختن بیرق یک جنگ واقعی ضد سرمایه داری، سوای برپائی سنگر مبارزه رادیکال طبقاتی هیچ چاره دیگری ندارد. چه خواهد شد نمی دانیم اما این را خوب می دانیم، ما مصمم و استوار برای ایفای نقش رادیکال در جنگ پیش روی طبقه خود پیش خواهیم تاخت.

ویروس کرونا و رژیم اسلامی سرمایه

مقابله جدی و سریع در برابر شیوع کرونا دستور کار هیچ دولت سرمایه داری در هیچ کجای دنیا نیست، زیرا جان انسانها در چرخه ارزش افزائی سرمایه و بازار داد و ستد نظام بردگی مزدی بی ارزش ترین کالاها است. با این وجود به خاطر چالش معضلات اقتصادی، مقابله با افت بازار انباشت و کاهش سودها هم که شده، در برخی جوامع از جمله چین دست به کارهایی زده اند، قرنطینه هائی دائر نموده اند و اقداماتی کرده اند. ماجرا در جهنم سرمایه داری ایران و میدان تاخت و تاز رژیم اسلامی سرمایه کاملاً متفاوت است. تا چند روز پیش وزیر بهداشت دولت روحانی در نهایت بیشرمی اعلام داشت که هیچ رد پائی از ورود ویروس کرونا به داخل مرزهای ایران مشاهده نشده است!! این بدان معنی است که نه فقط هیچ سخنی از هیچ قرنطینه ای برای افراد حامل ویروس در میان نبوده که حتی ابتلای آنها هم انکار شده است. افراد جان خود را از دست داده اند در حالی که گزارش مبتلا بودنشان به بیماری مدتی پس از فوت آن ها از سوی رژیم اعلام منتشر گردیده است. بعلاوه به فاصله فقط چند ساعت از انتشار خبر مربوط به نخستین مبتلایان و مرگ و میرها در شهر قم معلوم می گردد که دامنه سرایت ویروس رعب انگیز است و جمعیت کثیری حامل کرونا هستند. کل شواهد حاکی است که رژیم مطابق معمول هیچ تدارکی برای دفاع از جان انسانها در مقابل این بیماری مهلک دارای بیشترین ظرفیت اپیدمیک دستور کار نکرده است. از این هولناک تر اینکه رژیم مترصد است تا هر تلاش هر سکنه جهنم سرمایه داری برای خبررسانی پیرامون بیماری، ابعاد انتشار بیماری یا شمار

مرگ و میر ناشی از سرایت گسترده بیماری را به موضوعی امنیتی تبدیل نماید. سخن از شیوع ویروس را «اقدام علیه امنیت ملی» اعلام دارد!! هر انتقاد از جنایت رژیم در امر استتار، کتمان و انکار کثرت شمار مبتلایان، عدم قرنطینه کردن حاملان ویروس، یا کمبود دارو و درمان بیماران را توطئه بیگانگان و همکاری با دشمنان خواند!! زندان ها را از معترضان به قصور رژیم از کمک های بهداشتی و پزشکی را پر سازد!! اقداماتی که همگی در کارنامه سیاه انسان ستیزی دولت سرمایه داری اسلامی ایران به اندازه کافی بر هم تلنبار است. شمار کارگرانی که تا همین امروز به جرم کمک به سیل زندگان، زلزله زدگان، آوارگان، گورخوابان، کودکان کار، معتادان یا گرسنگان مجبور به تن فروشی در شکنجه گاه ها به سر می برند از حد افزون است. معضل طبقه کارگر ایران در طول ۴۱ سال حاکمیت فاشیسم اسلامی سرمایه در شرایط وقوع زلزله ها، جاری شدن سیل ها یا حوادث فقط آن نبوده است که کارگران زیر فشار گرسنگی و بی خانمانی از حداقل مصونیت در مقابل بلاها در امان نبوده اند بلکه هر نوع همبستگی و همراهی آنها برای کمک به همدیگر نیز اقدام علیه امنیت ملی تلقی شده و به زندان و شکنجه و حتا اعدام منتهی گردیده است. فاجعه اما به اینجا ختم نمی شود. در جهنم سرمایه داری ایران، در جامعه ای که ۷۰ درصد جمعیت کارگرس از ابتدائی ترین امکانات بهداشتی و دارو و درمان محروم هستند، در دوزخی که آلودگی های زیست محیطی بیش از همه جای دیگر بیداد می کند، در نقطه ای که اعتیاد و فقر و آوارگی و فلاکت و بی غذایی

و بی دارویی انفجار آمیز است، در جانی که کارگران بخش درمان از هیچ امکان، حفاظت، مصونیت و پوشش لازم برای فرار از افتادن به دام بیماری برخوردار نیستند، ویروس کرونا می تواند با بیشترین سرعت در عرض چند روز همه جا گستر و فراگیر شود. مبتلایانش می توانند فوج فوج تسلیم مرگ شوند. همه اینها را با آنچه بالاتر در مورد عملکرد بشرستیزانه جمهوری اسلامی سرمایه داری ایران گفتیم جمع کنیم. چشم انداز بسیار وحشتناک و دهشت زا است. سرچشمه این بیماری مثل تمامی بلیه های دیگر به طور واقعی، نه طبیعت که سرمایه داری است. به این دلیل بسیار شفاف که سرمایه داری اگر با فرض محال بخواهد سد راه زایش، سرایت و اپیدمی بیماری ها گردد از تمامی امکانات لازم برخوردار است. اما سرمایه این کار را نمی کند زیرا فقط به سود و گسترش خود می اندیشد. سرمایه است که با امتناع از پیش گیری ها موجد اشاعه هر چه هولناک تر ویروس شده است. این امر در جهنم سرمایه داری ایران، در رابطه با طبقه سرمایه دار و رژیم اسلامی سرمایه ابعادی از همه لحاظ عظیم تر و رعب انگیز تر دارد. باید دست به کار پیکار علیه این جنایت سرمایه گردید. کل مراکز کار و تولید را به خاطر جلوگیری از خطر انتشار بیماری تعطیل کنیم، باید دولت سرمایه را مجبور ساخت تا پرداخت دستمزدها را در تمامی طول دوره تعطیل و همچنین هزینه دارو و درمان ساکنان جامعه را تقبل نماید. دولت سرمایه باید همه تجهیزات ضروری برای حفظ جان کارکنان بخش درمان را فراهم آورد.

سرمایه، قتل کارگر ایران خودرو با تیر کرونا، خروش اعتراض توده های کارگر

در بیمارستانی که فاقد ابتدائی ترین امکانات لازم است بستری شد، هر لحظه گذشت حالش مرگبارتر شد و سرانجام تسلیم مرگ گردید. سرنوشت احمد در انتظار فراوان کارگر دیگری است که در کنار او و در محل کار وی آماج استعمار وحشیانه سرمایه اند. مرگ احمد شیپور اعتراض توده همزنجیر را به صدا در آورد. کارگران اعلام داشتند که چرخ تولید را از کار خواهند انداخت و تراست ایران خودرو را به ورطه خاموشی و تعطیل خواهند راند.

ابتلای فراگیر کارگران به کرونا و کووید ۱۹، مرگ و میر وسیع آنها بر اثر این بیماری، در سراسر جهنم سرمایه داری بیداد می کند. کارگران همه کارخانه ها، همه شهرها و استان ها علیه این توحش سرمایه در حال اعتراض هستند، در فولاد اهواز اعلام داشته اند که شرکت را تعطیل خواهند کرد. در بخش پرس و تولید گلگیر و کاپوت هولدینگ سایپا چرخ کار را از چرخش باز داشته اند و تصریح کرده اند که در شرایط موجود به هیچ وجه بر سر کار حاضر نخواهند گردید. کارگران قطعات توربین شهریار بر تعطیلی کارخانه تأکید نموده اند و به رغم تهدید شدید صاحبان سرمایه و دولت درنده سرمایه داری بر عزم خویش برای توقف کامل چرخه تولید اصرار دارند.

پیکار برای تعطیل مراکز کار و تولید همراه با پرداخت کامل و بدون هیچ قید و شرط کلیه مزدها و مطالبات کارگران، تا زمان پایان قطعی اپیدمی کووید ۱۹ اکنون دستور کار فوری، مبرم و حیاتی بخش بسیار گسترده ای از طبقه کارگر ایران شده است. توده های کارگر در همه جا خواستار تعطیل فوری چرخه کار هستند. صدای واحد و کل آنان این است. کار تعطیل شود، معیشت همگان تضمین گردد، بهداشت و دارو و درمان یکسره رایگان شود. ما از همه همزنجیران می خواهیم که به این پیکار سراسری بپیوندند.

ماشین کشتار کرونا در پهنشدنی که سرمایه و رژیم اسلامی سرمایه برایش تسطیح کرده است با سرعت تمام پیش می تازد، از توده های کارگر قربانی می گیرد، خود و کودکانشان را در می کند و تسلیم مرگ می نماید. همه جا، همه مراکز کار و تولید بوی مرگ می دهد، هیچ کارگری حتی برای زنده بودن روز خود احساس امنیت نمی کند، کرونا از انسان به انسان منتقل می گردد و تجمع کارگران در محیط های کار و زیر سقف های مشترک گسیل جبری آنها به میدان تیر است. اینکه در جهنم سرمایه داری اسلامی ابتدائی ترین امکانات ایمنی و حفاظتی هم در اختیار نیست قطعاً ابعاد فاجعه را افزون می سازد اما حتی با فرض وجود این وسائل باز هم مشکل به قوت خود باقی است. نفس اجبار توده کارگر به حضور در چرخه کار در وضعیت حاضر جنایتی سترگ از زنجیره جنایات سرمایه است و حاصل آن موج کشتاری است که از کارگران راه افتاده است. همین امروز «احمد نعمت اللهی» کارگر بخش موتورسازی ایران خودرو مثل خیلی از همزنجیران دیگر بر اثر ابتلا به کووید ۱۹ جان باخت. احمد همراه هزاران کارگر دیگر در شرایط وانفاسی تهاجم کرونا به جای آنکه در خانه بمانند زیر شمشیر قهر دولت سرمایه داری و سرمایه داران ایران خودرو مجبور به اضافه کاری اجباری و روزانه کار چندشیفتی بودند. آنها در شهری که کوی و برزن، محلات، خیابانها، شبکه حمل و نقل، زمین و آسمان و همه چیزش در محاصره کرونا است، هر روز کرور، کرور و ویروس را با خود به کارخانه می بردند، از بام تا شام برای سرمایه کار می کردند و سود تولید می نمودند. در یکی از همین روزها احمد حین کار به شدت تب کرد، از ادامه کار عاجز ماند، حالش وخیم تر و وخیم تر شد. نفسهایش بند آمد، رفقاییش به تکاپو افتادند و او را راهی بیمارستان کردند. معلوم شد که مبتلا به کووید است. در کنار صدها انسان دیگر مبتلا به این بیماری

معیشت و درمان رایگان را بر سرمایه

و دولتش تحمیل کنیم

رسانند اینک امکان ادامه همین به اصطلاح کار را هم از دست داده اند. میلیون ها کارگری که دستفروشی کنار خیابان ها زیر هجوم فاشیستی پلیس سرمایه تنها راه ارتزاق خانواده شان بوده است اکنون قادر به همین کار شاق هم نیستند. میلیون ها کودک نفرین شده کار در سراسر این جهنم گند و وحشت که از طریق لولیدن در زباله ها نان خویش و پدر و مادر را تأمین می نموده اند، اینک حتی امکان یافتن همین لقمه نان ذلت آمیز را هم از دست داده اند. لیست این فاجعه ها طولانی است. فاشیسم اسلامی سرمایه با آنچه در رابطه با کرونا کرده است عملاً سونامی کشتار ناشی از بیماری را با طوفان فقر و گرسنگی و بی دارویی و بی بهداشتی به هم آمیخته و به جان چند ده میلیون کارگر انداخته است. در مقابل این وضعیت باید با تمامی توان ایستاد و جنگید. درندگیهای وحوش دینی سرمایه را باید با راه اندازی یک جنبش عظیم سراسری ضد سرمایه داری پاسخ داد. در شرایط حاضر زیر فشار تاخت و تاز کرونا، تظاهرات خیابانی بیماری زا است، اما طبقه ما همه جا حاضر و پروسه پیکار ما علیه سرمایه در وجه به وجه جهنم بردگی مزدی تداوم دارد. چرخه کار را در تمامی کارخانه ها از چرخش باز داریم، شبکه حمل و نقل سراسری را متوقف سازیم. اعلام داریم که در هنگام تعطیلی کار دستمزدها به طور کامل باید پرداخت گردد. بهداشت، دارو و درمان باید رایگان شود. همه زندانیان، سیاسی و عادی، باید آزاد و از تیررس بیماری خارج گردند. به پاخیزیم، با سرمایه و دولتش بجنگیم، از جان خود دفاع کنیم.

جمهوری اسلامی با پنهان کاری تبهکارانه انتشار اپیدمیک ویروس کرونا، جعل کلیه واقعیت ها و دروغ بافی ها، با هموارسازی راه ورود ویروس کرونا، سراسر جهنم سرمایه داری ایران را به این ویروس آلوده است. از این هم فراتر عامل واقعی انتقال و انتشار آن به کشورها و قاره های دیگر گردیده است. رژیم اسلامی اگر تا امروز قدرت یکه تاز سرمایه در تشدید استثمار و فلاکت جمعیت کثیری از توده های کارگر منطقه بود، اینک با نقشی که در رابطه با همه گیر سازی کووید ۱۹ ایفا کرده است خود به ویروسی وحشت آور علیه بخش عظیمی از جمعیت دنیا و بشریت تبدیل شده است. مزدوران بشرستیز دستگاه قضائی اسلامی بورژوازی، در جنایت آفرینی تا آنجا پیش تاخته اند که برای خفه کردن صدای معترضان، آگاهانه و عمدانه انسانهای عاصی مبتلا به کووید را دستگیر کرده اند، راهی شکنجه گاه نموده اند و از این طریق هزاران انسان بی پناه زندانی را شکار این بیماری مسری هلاکت زا ساخته اند. حاکمان دژخیم سرمایه، میلیون ها کارگر را در برهوت گرسنگی، فقر، بی دارویی، بی بهداشتی و عدم دسترسی به ابتدائی ترین امکانات بهداشتی و محروم از هر میزان مصونیت و توان دفاعی در مقابل تهاجم بیماری، طعمه کرونا نموده اند. شیوع کرونا، ابعاد بیکاری ها، بی خانمانی ها و گرسنگی ها را به گونه ای انفجار آمیز وسعت بخشیده است. جمعیت کثیری از کارگران که تا چند روز پیش با یک وسیله نقلیه اسقاطی و مسافرکشی شبانه روزی لقمه نانی به شکم خالی فرزندان خود یا قرص مسکنی به بیماران لاعلاج درون خانواده خویش می

مراکز کار را تعطیل،

بهداشت، دارو و درمان

را رایگان سازیم.

کارخانه ها و کل چرخه کار سرمایه داری ایران دیگر فقط جهنم استثمار و فرسایش هلاکتبار جسم و جان ما توده های کارگر نیست، بلکه در وجه به وجه خود، باتلاق سرایت کرونا و مرگ و میر گسترده ما توسط این ویروس و بیماری است. ویروسی که از گنداب بی توجهی سرمایه به جان انسانها زائیده است و در مرداب تولید برای سود اپیدمی شده و به جان بشریت افتاده است.

ادامه در صفحه بعد

کرونا و موج اعتراض کارگران در

جهنم سرمایه داری اسلامی

سرمایه، دولتمردان و شبکه شستشوی مغزی انسان‌ها یعنی حوزه های دینی قم و شهرستان‌ها، فریاد خشم و قهر سر داده اند. در کلاردشت خانواده های ۲۵۰۰ سرباز مجبور به «خدمت وظیفه»!! در مقابل پادگان پلیسی، نظامی ناجا اجتماع نموده و خواهان مرخصی و خروج فوری فرزندان خود از این مرکز در معرض اپیدمی هستند. توده های کارگر همه جا در محیط کار، خانه، شبکه های اینترنتی در حال ستیز علیه وضعیت ضدبشری مولود سرمایه و رژیم اسلامی سرمایه می باشند. یک مسأله بسیار اساسی در این شرایط سازمانیابی عصیانها و اعتراضات، با هدف خارج سازی کل امکانات تشخیص بیماری، دارو، درمان و پیشگیری، از اختیار طبقه سرمایه دار، دولت سرمایه داری و توزیع شورائی آنها میان همه اهالی می باشد. بخشهای مختلف طبقه کارگر از کارگران کارخانه‌ها یا رانندگان شبکه های حمل و نقل گرفته تا معلمان، پرستاران، داروسازان و پزشکان می توانند دست در دست هم یک پیوند شورائی پدید آرند. امور تست بیماری و مداوای بیماران را به صورت شورائی در اختیار گیرند، موجودی مراکز درمان و داروخانه‌ها را با برنامه ریزی بسیار سنجیده، آگاهانه و انسانی از سلطه مالکانه سرمایه داران و دولت خارج کنند و هر چه انسانی تر میان کل توده نیازمند اهالی توزیع نمایند.

جمهوری اسلامی در حالی که دهها میلیون نفوس طبقه کارگر ایران را تسلیم طوفان تهاجم ویروس کرونا کرده است، کل راههای مصونیت و مداوا را هم بر روی آنان سد ساخته است. توده های وسیع کارگر حتی قادر به یافتن الکل، مواد ضد عفونی کننده، ماسک، صابون و وسایل شستشو هم نیستند. سرمایه داران سپاهی و غیرسپاهی، خصوصی یا دولتی همه امکانات بهداشتی، داروئی، آزمایشگاهی را به تصاحب انحصاری خود در آورده اند، از دسترس کارگران خارج نموده اند و هر میزان توزیع و فروش آن‌ها را تابع قوانین بشرستیزانه بازار سیاه سرمایه داری ساخته اند. خبرها حاکی است که کارگران در همه جای این جهنم دست به کار اعتراض علیه وضعیت فاجعه بار حاکم شده اند. انبوه کارگران هپکو اراک، کارگران راه آهن قم، صدها کارگر پالایشگاه بید بلند بهبهان و کارگران بسیاری از مراکز کار یا شهرها و نواحی دیگر چرخه کار را به تعطیل کشانده اند. آن‌ها خواستار دریافت فوری مواد ضد عفونی، دستکش، ماسک، ژله ایمنی و امکانات اولیه پیشگیری هستند. در برخی شهرها کارگران زیر فشار هراس و وحشت به داروخانه‌ها یا مراکز پزشکی هجوم آورده اند. آنان علیه محروم سازی فاجعه بار خویش از دارو و درمان، تست های تشخیص بیماری، مایحتاج اولیه ایمنی و همزمان علیه اختصاص بشرستیزانه و جنایت آمیز کلیه امکانات موجود به صاحبان

ادامه از صفحه قبل

هم ساقط ساخته است. ما فاقد هر نوع امکانات دارو و درمان هستیم. توان خرید دارو، مراجعه به دکتر حتی تهیه الکل و ماسک و مواد ضد عفونی را هم نداریم. درصد کشتار کووید - ۱۹ به کل مبتلایان در همه جای دنیا کمتر از ۳ درصد است اما در قلمرو حاکمیت سرمایه داری فاشیست اسلامی به دلیل فقر و فلاکت و بی داروئی ما کارگران بسیار عظیم و ترسناک است. چرخه کار سرمایه را در همه جا باید از کار انداخت و تعطیل کرد. جنبش رایگان سازی کامل بهداشت، دارو و درمان را آغاز کنیم.

چرخه کار سرمایه اینک همه جا و به طور اخص در سراسر جهنم سرمایه داری ایران، میدان تاخت و تاز مرگ آفرین این بیماری است. حاکمان سرمایه با بسیج تمامی قوای فریب، شستشوی مغزی، سرکوب پلیسی و نظامی اصرار دارند تا ما را راهی قتلگاه تولید سود سازند و ما باید با همه توان در مقابل این بربریت ایستادگی کنیم. سرمایه اما تنها حیات ما را شکارگاه تهاجم کرونا نموده است، ما را از ابتدائی ترین مصونیت‌ها، ایمنی‌ها و امکانات مقابله با هر ویروس و بیماری

گزارشی از ایتالیا در رابطه با

همه گیری ویروس کرونا

پیدایمی کند ولی دولت ایتالیا به خواست صاحبان صنایع (سرمایه) با اینکه همه فعالیتهای دیگر اقتصادی و آموزشی و اجتماعی را تعطیل کرد ولی کارخانه ها و کارگاه ها را باز نگه داشت. کارگران مجبور به رفتن سر کار شدند. آنها شاهد مبتلا شدن همکاران خود در محل کار بودند و نگران خود و خانواده شان. این نگرانی تبدیل به خشم شد. کارگران می گفتند که جان کارگر برای دولت سرمایه ارزشی ندارد، کفایت که جریان تولید سود مختل نشود و به سرمایه آسیبی نرسد.

از روز ۱۱ مارس زمزمه اعتصاب بلند شد و از روز ۱۲ مارس در بسیاری از مراکز کار، کارگران دست از کار کشیدند. سندیکاها که با دولت توافق کرده بودند و تا این زمان اعتراضی نکرده بودند خود را در وضعیت بدی دیدند و بدنبال کارگران که دست به اقدام زده بودند شروع به پادرمیانی کردند.

این تصویری است که کم و بیش در همه جهان سرمایه داری به چشم می خورد. جان کارگران، خالقان تمامی ثروت جوامع بشری تا آنجایی ارزش دارد که قادر باشند تولید سود کنند. آنها یک ماشین هستند و اگر خراب شدند، ویروسی و بیمار شدند، جای آنان را یک ماشین دیگر می گیرد. این منطق سرمایه است. بیماری ها، ویروسها، باکتریها و بلاای طبیعی همیشه وجود داشته اند، این نظم سرمایه است که مسئله را بغرنج تر می کند. به این دلیل که بخش بزرگی از سرمایه اجتماعی صرف مسائل نظم موجود می شود و حتی همین امکانات موجود هم به طور عادلانه تقسیم نمی شود.

ما کارگران هر روز بیشتر در می یابیم که راه آزاد سازی نیروهای بشر در به مهار در آوردن نیروهای طبیعت از مسیر در هم کوبیدن نظم سرمایه و جامعه مبتنی بر طبقات می گذرد. یا ما کارگران متحد در صفوف طبقاتی مان سر خصم بکوبیم به سنگ یا او سر ما به دار سازد آونگ.

از تاریخ ۲۱ فوریه اولین موردهای ویروس کرونا در شمال ایتالیا در دو شهر کوچک و متوسط استان لومباردیا شناسایی شد، این بیماری به سرعت گسترش یافت. عکس العمل طبیعی دستگاه بهداشتی کشور این بود که به حالت آماده باش در آید. وزارت بهداشت شروع به تست کرونا بطور وسیع کرد و متوجه شد که این مسئله به حالت یک اپیدمی در آمده است. یکی دو شهرستان به همراه ۱۵ شهر قرنطینه شدند، مدارس و دانشگاه های آن شهرها تعطیل شدند ولی محیط های کار، فروشگاه های بزرگ و کارخانه ها و کارگاه ها و در نتیجه کل سیستم حمل و نقل شهری و بین شهری، مترو، قطار، تراموا و اتوبوس ها همچنان به کار خود ادامه دادند که نتیجه آن گسترش بیشتر ویروس در شهر های مزبور و دیگر شهرها شد. دولت مدارس و دانشگاه های کل کشور را تعطیل اعلام کرد و با فاصله یک یا دو روز همه فروشگاه های غیر حیاتی، رستوران ها، کافی شاپ ها و سالن های ورزشی تعطیل اعلام شدند.

اکنون ویروس تقریباً در همه استان ها پخش شده بود و هر روز بر تعداد مبتلایان و در نتیجه کشته شدگان اضافه می شد. در این دوران ایتالیا در وضعیت بد اقتصادی قرار گرفت، تمامی نمایشگاه های صنعتی و تجاری که ابزاری هستند برای فروش و بستن قراردادهای تجاری، بایکوت شده و تعطیل شدند. سرمایه داران و صاحبان صنایع به دست و پا افتاده و از طریق رادیوها و تلویزیون ها و روزنامه های شان تلاش کردند که این بحران را تا حدی لاپوشانی کنند و از دستگاه بهداشتی انتقاد کردند که چرا بر خلاف کشور های دیگر با تست وسیع جمعیت بدنبال بیماری گشته و به این وسیله باعث بروز مشکلات اقتصادی و اختلال در کسب سود آنها شده اند.

در همین حال ایتالیا به اولین کشور از لحاظ همه گیری ویروس کرونا تبدیل شده و هر روز آمار مبتلایان و کشته شدگان افزایش

دولت، سرمایه تشخص یافته در ساختار قدرت و حاکمیت و قهر است.

دفاع دموکراتیک و مدنی از جان انسانها

در مقابل ویروس کرونا!!!

ساز از هر گونه کاهش سود این شرکت ها، کاهش آزاد و بی دریغ مالیات کارفرمایی یا هر مالیات مربوط به سرمایه و سرمایه داران، با هدف جبران جامع الاطراف و مکفی هر گونه خسارت احتمالی شرکت ها در صورت ابتلای هزار، هزار کارگر مورد استثمار آنان. این کار باید حتما انجام گیرد تا هیچ دیناری از سود هیچ سرمایه داری کم نگردد. تنزل بیش از پیش بهره بانکی برای صاحبان سرمایه تا غول های عظیم صنعتی و مالی با فراغ بال دست به کار انباشت افزون تر و کهکشانی تر شوند.

ملاحظه می کنید که از منظر بورژوازی سوئد و دولتمردانش، کرونا و کووید ۱۹ تا جایی که به ۸ میلیون سکنه کارگر این کشور بر می گردد مطلقا موضوع قابل بحثی نیست. کرونا مخیر، مختار و آزاد است تا هر کجا که می خواهد جان کارگران را بگیرد، این کشتار تا جایی که به کارگران بالای ۶۵ سال مربوط می شود یک فرصت بسیار طلایی نیز هست، باید آن را عید عظیم خون دید و شاید کمک مؤثری به سرمایه در پالایش بحران خود باشد. از این که بگذریم باید پاندمی کووید را با شور فراوان غنیمت شمرد و بلادرنگ و بدون هیچ فوت وقت تریلیون ها کرون حاصل کار و استثمار توده های کارگر سوئد و دنیا را به حساب تراست ها و مؤسسات غول پیکر سرمایه داری واریز کرد.

به خاطر بیاورید که اینجا جهنم سرمایه داری ایران و قلمرو حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه نیست، اسپانیای ژنرال فرانکو هم نیست، ایتالیای موسولینی هم نمی باشد، افریقای جنوبی دوران آپارتاید هم نیست، استالین هم تا جایی که می دانیم سفری به این دیار نداشته است. اینجا سوئد، بلندآشیان دموکراسی، مدنیت و حقوق بشر سرمایه داری، ام القرای سوسیال دموکراسی نظام بردگی مزدی و کعبه آمال بورژوازی چپ جهانی است. در چنین جامعه ای است که به گاه طوفان کووید ۱۹، دولت سوسیال دموکرات سرمایه با کارگران همان می کند که علی خامنه ای و رژیم درنده دینی بورژوازی می کند، رک و عریان عربه می کشد که همه مراکز کار باز باشد، مدارس باز باشد، پروازها آزاد باشد، مهد کودک ها مفتوح ماند، زیرا هر ساعت تعطیل این مراکز، تعطیل چرخه سود سرمایه است. به بهای باز بودن این مراکز خیل کارگران قربانی گردند زیرا که کشتار آنها آبیاری کشتزار انباشت پرخروش تر سرمایه است. این را هم به خاطر داشته باشیم که در تمامی طول این مدت فریاد کارگران بخش درمان تا عرش پرتنین بوده است که در بیمارستان ها و مراکز درمانی فاقد امکانات لازم برای رسیدگی متعارف و ابتدائی به وضع مراجعان بیمار هستیم.

سرمایه داری خوب و بد ندارد و بورژوازی همه جای جهان سر و ته یک کرباس است. انسان، انسانیت، موجودیت انسانی و نیازهای اولیه بشری هیچ چیز، سرمایه، سود، انباشت و خودافزایی غول آسای سرمایه همه چیز. این حرف اول و آخر شیوه تولید سرمایه داری در سراسر دنیا و در کل تاریخ این نظام است. اینکه فاشیسم اسلامی بورژوازی در ایران، در رابطه با پاندمی کووید ۱۹ چه بر سر ۶۰ میلیون نفوس توده کارگر آورده است، بی نیاز از توصیف است. این را همگان می دانند. آنچه کمتر به زبان ها می آید سناریوی دفاع از جان آدمیزاد!! در قله های پر آوازه و شهر آشوب رفاه!! جامعه مدنی و حقوق بشری نظام بردگی مزدی است. سوئد صدرنشین این جوامع است. در سوئد آمار مبتلایان ساعت به ساعت، با شتاب زیاد، سیر صعودی می پیماید، کلیه مناطق و شهرها از بالتیک تا قطب شمال، میدان تاخت و تاز کرونا است. هراس و وحشت همه را در خود فرو پیچیده است اما دولت بورژوازی، طبقه سرمایه دار و بیش از همه سازمان مراقبت و تدارک اجتماعی با اصرار غیرقابل توصیفی، استوار و مصمم می گویند که:

هیچ نیازی به تعطیل مدارس نیست، هیچ کدام از مراکز کار و تولید نباید تعطیل شوند. از گزارش روزانه شمار بیماران باید جلوگیری گردد، آلوده شدگان و مبتلایان به کووید ۱۹ احتیاج به هیچ گونه تست ندارند، پرواز هواپیما همچنان مجاز است. تشکیل اجتماعات کمتر از ۵۰۰ نفر بدون هیچ اشکال است. هیچ قرنطینه ای در هیچ کجا دستور کار نمی باشد، حمل و نقل همگانی از اتوبوس تا مترو و از قطارهای بین شهری تا ترامواها باید با همه ظرفیت موجود به کار خود ادامه دهند، هیچ فروشگاهی، سینمایی، رستورانی در هیچ کجا تعطیل نمی گردد.

بورژوازی سوئد، دولت و بالانشینان سیستم درمان کشور هیچ کدام از اقدامات بالا را نیاز مقابله با شیوع دامنگستر و پاندمیک کرونا نمی بینند!! راه چالش کووید ۱۹ را در هیچ یک از این پروسه ها، پویش ها یا برنامه ریزی ها جستجو نمی کنند، آنها برای کارزار علیه کرونا و کووید، طرح های بسیار مشعشع و حیرت انگیز دیگری دارند. به چندتا از این پروژه های اعجاز آور نظر اندازیم:

تخصیص ۵۰۰ میلیارد کرون اعتبار برای کمک فوری، ضربتی و حیاتی به شرکتهای متوسط و کوچک، به سرمایه داران صاحب مؤسسات صنعتی و تجاری با هدف جلوگیری کاملا کارا و چاره

آیا می دانید که :

مراکز کار و تولید، وسایل نقلیه عمومی، فروشگاه ها و از این قبیل است.

اگر انسان مدتی از این مراکز بدور باشد و خود را به بهترین وجه پوشش دهد آغاز کاهش تهدید و در نهایت مرگ این ویروس است.

همه این ها به این معنی است که چاره نه فقط قرنطینه و محاصره شهرها بلکه تعطیل مراکز کار و تولید در بخش مهمی از شهرها است.

اما سرمایه در هیچ کجای این جهنم این امر را بر نمی تابد، بر ادامه کار و تولید سود زیر شلاق اپیدمی کرونا بیش از پیش اصرار می ورزد و حتی تهدید مرگ از ویروس را به هیچ می گیرد، پنهان می کند و از حفاظت کارگران مراکز بهداشتی و درمانی پرهیز دار زیرا اینان بر هزینه های آن می افزایند.

این روزها کارگران بخصوص جوانان شهرهای آمل، لاهیجان، قشم و برخی دیگر شهرها دست به اقداماتی نظیر بستن جاده های ورودی زده اند. این اقدامات خوب است اما کافی نیست.

باید کارگران مراکز کار و تولید این مراکز را تعطیل کنند، دولت سرمایه را می بایست مجبور به دادن وسایل مورد نیاز نظیر ماسک، دستکش، تجهیزات مدرن نمود. دولت سرمایه به هیچ وجه قصد هزینه برای مقابله با ویروسی که خود عامل انتقال و گسترش آن بوده است ندارد. ما کارگران باید و می توانیم با جنبش سازمان یافته شورائی خود دولت را مجبور به قبول این هزینه ها سازیم.

ویروس کرونا از پوست سالم رد نمی شود و تا ده دقیقه روی پوست زنده است.

ویروس کرونا در سطوح پارچه ای ۶ الی ۱۲ ساعت، سطوح فلزی ۱۲ الی ۲۰ ساعت و در سطح استیل تا ۲۰ روز زنده می ماند.

اما همین ویروس در بدن و خصوصا در شش های فرد مبتلا مدت ها (ماه ها) زنده است و حتی آن هایی که گفته می شود بهبود یافته اند حامل پنهان این ویروس اند.

کلا ویروس ها فقط از طریق حیوانات و سلول های دیگر حیوانات تکثیر می یابند و ویروس کرونا یا کووید ۱۹ از هنگامی که بدن انسان و جوامع انسانی را برای گسترش و تکثیر خود یافت حیوانات دیگر را ترک کرد.

مهمترین ارگان مورد توجه و اسکان این ویروس شش ها هستند. شش علاوه بر این که از بافت ظریف و ملایمی تشکیل شده اند بلکه از آن جا که مرکز اکسیژن دهی به خون هستند سلول های آن بهترین مکان تکثیر ویروس را دارند. محل تجمع اصلی این ویروس ابتدا در بینی است.

ویروس کرونا بوسیله ناقل ها نظیر هوای دم و بازدم، قطرات ریز آب و بخار آب از دهان و بینی و دست ها از انسانی به انسان دیگر منتقل می شوند. این بدین معنی که ویروس خود مستقلا از جایی به جای دیگر منتقل نمی شود.

ویروس کوید ۱۹ بسیار درشت است لذا هنگامی که همراه بخار آب دهان و بینی است هر ماسکی می تواند در محیط آلوده محفوظ کننده باشد (پارچه ای، ویبریلی، با دستمال کاغذی و ...) بشرطی که خشک باشد یعنی باید ماسک ها را مرتبا عوض کرد. بهترین مکان های گسترش این ویروس تجمعات انسانی نظیر

موج پیکار کارگران علیه کار

در شرایط هجوم کرونا

ایمنی و برخورداری حتمی کارگران از دستکش و ماسک و وسائل ضد عفونی اصرار دارند.

کارگران در سراسر جهنم سرمایه داری ایران علیه فشار سهمگین کار، شرایط سخت کار، کار در زیر هجوم و تهدید مرگ و ویروس کرونا، کار در وضعیت شدت امنیتی و عدم پرداخت دستمزد ها دست به اعتصاب و اعتراض می زنند. در این روز های سخت کار که ما از همه طرف از جانب سرمایه داران و دولت آن مورد هجوم قرار گرفته ایم و این دیگر اهمیتی ندارد که ما کارگران به چه دلیل و با چه انگیزه ای به نبرد با سرمایه داران می رویم. در این نبرد هر قدر قدرت مند تر، سازمان یافته تر و متحد تر عمل کنیم سهم بیشتر و بهتری کسب خواهیم کرد. این روش ما در مقابل سرمایه و دولت آن در تمامی عرصه های زندگی، از سلامت گرفته تا کار، محیط کار، محله، مدرسه، بیمارستان و غیره است. روز پنجشنبه ۱۵ اسفند ماه کارگران شهرداری آبژدان علیه عدم پرداخت ۱۴ ماه دستمزدهای معوقه و عدم پرداخت ۶ ماه حق بیمه خود به سازمان تامین اجتماعی خود دست از کار کشیده و اعتراض کردند. معلمان آزاد و خرید خدمتی در تهران نسبت به سطح نازل دستمزدهایشان اعتراض کردند. کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی شیروان علیه عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد خود با وجود خطر مبتلا شدن به اپیدمی مرگزا دست به اعتراض علیه سرمایه زدند.

هر روز که می گذرد جمعیت عظیم تری از توده های کارگر ایران علیه اجبار به ادامه کار در شرایط یکه تازی کرونا و هجوم پاندمیک بیماری ناشی از آن دست به اعتراض می زنند. آنها به موازات رشد انفجارآمیز شمار مبتلایان و جانباختگان، همصدا و خشمگین بر تعطیلی کارخانه ها، مدارس و برخی حوزه های دیگر، همراه با پرداخت بدون هیچ قید و شرط دستمزدها و سایر مطالبات تأکید می کنند. ترجیح بند اعتراض همگان این است که اولاً مراکز کار و تولید، سوای بیمارستان ها، داروخانه ها، درمانگاهها و کلا بخش دارو و درمان یا حوزه تأمین نیازمندی های عمومی تعطیل شود، ثانیاً مؤسسات غیرقابل تعطیل به کلیه امکانات ایمنی و وسائل بهداشتی مورد نیاز تضمین سلامتی افراد مجهز گردد. مبارزه برای تحمیل این خواست ها و شرط ها بر صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری در چند روز اخیر فراگیرتر از پیش شده است و همه شواهد بر گسترش افزون تر آن در روزهای آتی حکایت دارد. کارگران شهرداری تهران، دکل های حفاری نفت، خودروسازی های تهران، توده کارگر شاغل در پارس جنوبی و کنگان، ساختمان مرکزی وزارت نفت، جایگاههای سوخت در سنندج و بسیاری از همزنجیران دیگر آنها در نواحی مختلف کشور در زمره اعتراض کنندگان و عاصیان هستند. همه این ها بر تعطیلی کامل کار، کاهش حتی المقدور روزانه کار، تعطیل بیشترین روزهای هفته، تجهیز مؤسسات و مراکز کار به کلیه امکانات

مطالبه هر عده همزنجیران را موضوع اعتصاب کل طبقه خود کنیم.

* در پی اعلام انتقال پنج فرد مبتلا به ویروس کرونا (کووید ۱۹) از قم به تهران رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت سرمایه گفت: هنوز به طور دقیق منبع سایت و انتقال بیماری مشخص نشده است. از طرف دیگر رییس دانشگاه علوم پزشکی اراک گفت: یک مورد مثبت بیماری کرونا در این شهرستان تشخیص داده شد و هشت مورد مشکوک نیز گزارش شده است. این مقام رژیم سرمایه ادعا می کند که ترس و وحشت مردم از کرونا ویروس بی مورد است زیرا ۷۰ درصد مبتلایان به این ویروس به صورت سرپایی درمان شده و ۳۰ درصد آنان نیاز به بستری دارند و این ویروس تنها ۲ تا چهار درصد منجر به مرگ می شود!! به این ترتیب سیستم پزشکی و درمانی اسلامی سرمایه توده های کارگر را به حال خود رها می کند. این در حالی است که دائما گزارشات از انتشار این اپیدمی مرگزا در ایران منتشر می شود.

* معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بابل در مازندران می گوید: ۲ فرد مشکوک به ویروس کرونا در شهرستان بابل شناسایی شدند. توده های ۲۰ میلیونی کارگر در حاشیه شهر ها، کپر نشین ها، حلبی آبادها در مقابل این ویروس بدون کوچکترین امکانات بهداشتی، درمانی، دارویی در مقابل تهاجم این ویروس با توجه مدیران بهداشتی سرمایه به حال خود رها می شوند. استان مرکزی و دو شهر آن اراک و زرندیه بیشترین محلات کپر نشینی با انبوه جمعیت کارگری است.

* روز شنبه ۳ و امروز ۴ اسفند ماه ، دانشجویان چندین دانشگاه از جمله دانشگاه بهشتی تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه مازندران و توده های شهرها از جمله لاهیجان، رودبار، تالش، شهر سلسله در لرستان و اصفهان در اعتراض به نبود امکانات حفاظتی پیشگیری کرونا در بیمارستانها، علیه پنهان کاری رژیم سرمایه از گسترش ویروس کورونا به قیمت جان توده ها، نبود امکانات مناسب برای پیشگیری از بیماری کرونا و همچنین عدم تعطیلی دانشگاه ها ، مراکز کار و در قرنطینه قرار ندادن شهرها در این شرایط وخیم و حساس بهداشتی دست به تجمع و اعتراض علیه رژیم سرمایه زدند. توده های کارگر هم اکنون در اعتراض علیه این وضعیت این عرصه زندگی خود را به حوزه ای از پیکار جاری روز خود علیه رژیم سرمایه تبدیل کرده اند. سرچشمه بیماری مثل تمامی بلیه های دیگر به طور واقعی، نه طبیعت که سرمایه داری است. به این دلیل بسیار شفاف که سرمایه داری اگر با فرض محال بخواهد سد راه زایش، سرایت و اپیدمی بیماری ها گردد از تمامی امکانات لازم برخوردار است. سرمایه این کار را نمی کند زیرا فقط به سود و خودگستری خود می اندیشد، زیرا جان انسان ها برایش فاقد هر نوع ارزش است. سرمایه است که منشأ و بانی واقعی شیوع کرونا است. سرمایه است که با امتناع از پیش گیری ها موجد اشاعه هر چه هولناک تر ویروس شده است.

* همه چیز از حادثه ای هولناک حکایت دارد که هر چه بیشتر گریبان توده های کارگر اعم از پرستاران، واحد های تولید، کارکنان فروشگاه ها، زباله گردان، دستفروشان، کودکان کار در ترافیک های شهری، دانشجویان فرزندان خانواده های کارگری را می فشرد و تعداد بیشتری را به کام مرگ می کشد و رژیم اسلامی سرمایه بر طبل آرامش و ادامه تولید و استثمار می کوبد. اپیدمی کرونا بخش اعظم ۳۱ استان را در بر گرفته حال آن که نظام اسلامی بردگی مزدی ایران در گزارشی که امروز ۷ اسفند منتشر کرده فقط ۱۳ استان را شامل می شود. تمامی تلاش و اصرار همه جناح های طبقه حاکم سرمایه داری ایران، در دروغ گوئی، پنهان کاری و عدم انتشار اخبار گسترش مرگ ومیر ناشی از این اپیدمی نه فقط بی توجهی به جان انسان ها بلکه و بخصوص ادامه کار و تولید در این جهنم سوزان سرمایه داری است. ما کارگران راهی جز تعطیل کار در همه حوزه ها اعم از دانشگاه، مدرسه، صنایع در همه جا از شمال تا جنوب و شرق تا غرب، نداریم. مراکز درمانی، داروخانه ها آن هم با همه امکانات تدارکاتی و بهداشتی بدون هیچ گونه هزینه برای مبتلایان باز باشند. می بایست جنبش رایگان سازی کامل بهداشت، دارو و درمان را آغاز کنیم.

* روز یکشنبه ۱۱ اسفند ماه، رانندگان خودروهای استیجاری شاغل در اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه دستمزد معوقه خود اعتصاب کرده و تجمع اعتراضی

برگزار کردند. رانندگان معترض با سردادن شعار علیه سرمایه و در دست داشتن بنر خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند. هجوم سرمایه داران به معشیت نازل ما با اپیدمی دیگری که آن هم حاصل عملکرد سرمایه و دولت آن ها است همراه شده و امان از زندگی ما کارگران خانواده هایمان گرفته است. سرمایه ما را نه تنها از ابتدایی ترین امکانات ایمنی در مقابل امراض محروم کرده بلکه با عدم پرداخت دستمزد ناچیزمان زندگی را بر ما جهنم نموده است. ما کارگران در محیط کار شاق روزانه، هوای دم کرده و آلوده به ویروس کرونای محیط کار مجبور به تولید سود و سرمایه ایم.

این وضع باید تغییر کند و ما تنها نیرویی هستیم که قادریم آن را علیه امیال و خواست سرمایه داران تغییر دهیم. می بایست چرخه کار تولید سرمایه را در همه جاز شرق تا غرب و از شمال تا جنوب جهنم سرمایه داری ایران تعطیل کنیم و سرمایه داران وادار نماییم که نه فقط دستمزدهای معوقه ما را بپردازند بلکه کلیه شرایط ایمنی و بهداشتی کار را با هزینه سرمایه تامین کنند. برای این کار می بایست دست اتحاد به یکدیگر دهیم و به نیروی طبقاتی سرنوشت ساز تبدیل شویم، ما توان این کار را داریم و فقط باید شروع کنیم.

* روز پنجشنبه ۲۲ اسفندماه، جمعی از کارگران شرکت آب و خاک پارس پروژه تبریز مرند در اعتراض به عدم پرداخت نکردن دستمزد های معوقه ۶ ماه خود دست به اعتصاب زدند. کارگران پیمانی شبکه بهداشت و درمان گچساران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه خود چند روز است در اعتصاب هستند. کارگران اعتصابی با برپا کردن تجمع اعتراضی مقابل ساختمان شبکه در شهرستان گچساران

خواستار پرداخت معوقات خود شدند. تا هم اکنون ۲۶ تن از کارگران حوزه بهداشت و درمان سرمایه در ایران بر اثر ابتلا به ویروس کووید ۱۹ جان باخته اند. این شرایط کار این بخش از کارگران ایران است. ابتلای فراگیر کارگران سراسر جهنم سرمایه داری به این ویروس مرگزا و قتل عام وسیع آنها بر اثر این بیماری که حاصل عملکرد رژیم اسلامی سرمایه و سرمایه داران آن است کم نیست، آب باریکه نان و غذای ناچیز روزانه را مدت ها است بر ما بسته اند.

فریاد نفرت کارگران ایران از این همه فجایع سرمایه بر سرشان در سراسر این جهنم بلند است. وقت آن است که ما کارگران همه واحد های مختلف کار و تولید، آحاد کارگری در همه جا کار را تعطیل کنیم همزمان خواهان معیشت رایگان همگانی شویم، خواهان رایگان شدن بهداشت و دارو و درمان شویم. برای این کار و رفع تمام ضعف ها و فروماندگی هایمان در مقابل سرمایه داران و دولت آن ها، برای باز داشتن آنها از این همه دست اندازی های غیر انسانی به زندگی، سلامت و حداقل معیشت مان و خانواده هایمان، متحد و شورایی عمل کنیم و برای این کار قدرتی سازمان یافته در شوراهای ضد سرمایه داری خود شویم.

* کارگران کارخانه فولاد دامغان بدنبال شیوع ویروس کرونا و ابتلاء هشت تن از کارگران به این ویروس دست به اعتراض زدند. آنها می گویند علیرغم ابتلاء این کارگران به کرونا، کارفرما حاضر به تعطیلی کارخانه نمی باشد و به کارگران گفته است ”هر کس اعتراض دارد برود تسویه حساب کند و برای همیشه به خانه اش برود“. این کارگران می گویند، به دلیل ترس از بیکاری مجبورند بدون ماسک و دستکش کار کنند. ویروس کرونا (کووید ۱۹) از انسان به انسان

منتقل می گردد و تجمع کارگران در محیط های کار و زیر سقف های مشترک ابتلای به بیماری را ممکن می کند و این را همه سرمایه داران و دولت های آن ها در سراسر جهنم سرمایه داری جهان می دانند با وجود این در هر شرایطی کارگران را به این میدان های تیروانه می کنند. این در حالی است که دولت های سرمایه همراه با بانک های بزرگ مرکزی و بانک جهانی در سراسر این جهنم از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال کره ارض و با بهانه قرار دادن بحران سرمایه به پمپاژ پول و سرمایه با بهره های منفی یک بار دیگر به جبران کاهش سود شرکت ها، واحد های کار و تولید شتافته اند. سرمایه داری ایران، هیئت رهبری آن و دولت هولو کاست آفرین آن از این نیز فراتر می روند و کارگران مبتلا به ویروس مرگزا را وادار به کار در فضای جهنمی تولید و کار می نمایند. این فقط کارگران ایران خودرو، عسلیوه و سایر حوزه های سرمایه نیستند که برای افزایش سود سرمایه داران می بایست راهی سلاخ خانه های کار و تولید گردند این شرایط کار همه کارگران سراسر جهان در این روز ها است. سرمایه داران و دولت های آن ها این روز ها بیش از پیش فقط به فکر انباشت و عدم توقف حتی یک لحظه تولید اند. ما کارگران نه تنها می بایست در این شرایط بفکر سلامت خود و خانواده های خود باشیم بلکه بخصوص اکنون که تعطیلی کار دستور کار فوری، مبرم و حیاتی بخش بسیار گسترده ای از طبقه کارگر ایران شده است، می بایست هر چه زودتر دست بکار عملی ساختن این امر مهم و حیاتی برای زندگی خود و خانواده هایمان شویم. با قدرت سازماندهی شورایی کار را تعطیل کنیم، معیشت همگان، بهداشت و دارو و درمان یکسره رایگان را بر سرمایه داران و دولت آنان تحمیل کنیم.

کارگری از تبریز: در ایران خودرو تبریز کار می‌کنم. در اینجا ۱۴۰۰ کارگر استثمار می‌شوند. عمده قطعات چرخه تولید از قم و تهران به وسیله تریلر به کارخانه حمل می‌شوند. همه شبانه روز را در دلهره ناشی از آلودگی محیط کار به ویروس کرونا و خطر ابتلا به این بیماری به سر می‌برم. پدر یک کودک هستم. وحشت از آینده او و خانواده ام هر نوع آرامش را از وجودم دزدیده است. تا جایی که توانسته‌ایم به کارفرما فشار آورده ایم اما او حاضر است برای یک ریال سود بیشتر صدها کارگر را قربانی سازد.

اعتراض گسترده رانندگان تاکسی

رژیم اسلامی از دادن پکیج بهداشتی مورد نیاز رانندگان تاکسی، برای مقابله مقذور با ویروس کرونا اجتناب می‌کند. کارگران راننده روزها است که علیه این اقدام بشرستیزانه شهرداری ها و عوامل سرمایه، فریاد اعتراض سر داده اند، آنان از آلودگی تاکسی ها به ویروس، سخت آشفته و عاصی می‌باشند، جان خویش و مسافران را بسیار وسیع و جدی در معرض خطر می‌بینند، برای کاهش حتی الامکان این خطر نیازمند پکیج بهداشتی هستند، فقط شهرداری و دولت بورژوازی است که می‌تواند این وسیله ضروری و حیاتی را برای آنها فراهم سازد. اما رژیم، حاضر به انجام این کار نگردیده است. رانندگان همچنان به اعتراض خود ادامه می‌دهند.

بهداشت و ایمنی وسائل نقلیه به ویژه در این شرایط حساس، در روزهای تهاجم اپیدمیک کرونا یک نیاز اساسی سلامتی کل اهالی است. هر گونه تمرد دولت درنده بورژوازی از قبول خواست تاکسیرانان، اقدامی آگاهانه و عمدی در کشتار انسانها است. اعتراض علیه این جنایت فقط امر خاص کارگران راننده نمی‌باشد. کل توده کارگر باید خشم و قهر خود علیه این وضعیت را ابراز دارند.

سرمایه داران و دولت هار سرمایه از تعطیل مراکز کار امتناع می‌کنند

کل چرخه کار سرمایه داری در ایران آلوده به ویروس مرگ آفرین کرونا است. کارخانه ها، مدارس و همه جا آماج هجوم پاندمیک کووید ۱۹ است. اما سرمایه داران و دولت هار سرمایه عزم جزم کرده اند که روند تولید سود را به بهای مرگ انبوه توده های کارگر پرخروش نگه دارند و از تعطیلی مراکز کار خودداری ورزند. فریاد اعتراض کارگران همه جا علیه این جنایت بلند است. همه عاصی و خشمگین می‌باشند. توده های کارگر در تمامی استانها و شهرها خواستار تعطیلی حتمی کارخانه ها همراه با پرداخت کامل و بدون هیچ قید و شرط دستمزدها هستند. همین امروز سه شنبه ۱۳ اسفندماه، هزاران کارگر گیلانی، علیه آلودگی گسترده محیط کار و استثمار، علیه امتناع بشرستیزانه سرمایه داران و دولت آنها از تأمین مایحتاج ایمنی مراکز کار و علیه پافشاری جنایتکارانه صاحبان سرمایه بر ادامه کار کارگران در شرایط مرگبار کنونی دست به اعتراض زدند. کارگران خواستار تضمین سلامتی خویش و توقف چرخه تولید در تمامی دوران شیوع بیماری همراه با پرداخت کامل مرزدهای این ایام می‌باشند.

جان دهها هزار زندانی در معرض خطر جدی است

کرونای مولود سرمایه داری در معیت رژیم اسلامی بورژوازی مکمل سایر سلاحهای سرمایه علیه کارگران شده است. زندان ها و شکنجه گاههای فاشیسم دینی سرمایه از کارگران و انسانهای معترض به بربریت حاکمان سرمایه آکنده است. دهها هزار کارگر به جرم مبارزه علیه شدت استثمار، علیه زن ستیزی، آزادی کشی، کودک آزاری، فقر آفرینی، گرسنه سازی، بی خانمان

نمودن، آلودگی های زیست محیطی یا سایر جنایات سرمایه و دولتش در شکنجه گاههای رژیم اسلامی به سر می‌برند. جمعیتی بسیار افزون تر از این عده، باز هم کارگر، از فقیرترین لایه های کارگری به خاطر بدهکاری ناشی از فقر، مقابله با بربریت های مردسالارانه، فحشاء و اعتیاد ناشی از گرسنگی مولود استثمار وحشیانه سرمایه داری در کنار آن ها اسیر سلولهای زندان هستند. همه اینها اینک سوای سبعیت و جنایتی که دولت سرمایه طی سالیان دراز بر آنها اعمال نموده است به گونه ای بی پناه و فاقد ابتدائی ترین امکانات در معرض تهاجم ویروس کرونا هم قرار گرفته اند. رژیم در طول این مدت و به دنبال شیوع اپیدمیک کووید ۱۹ بسیار آگاهانه دست به کار آزار هر چه بیشتر و حتی کشتار این انسانها گردیده است. افراد مبتلا به ویروس را دستگیر و وارد سلولها کرده است، از مرخصی افراد مبتلا نشده تا مدت ها امتناع نموده است. عده ای از زندانیان مبتلا را به طور موقت زیر نام مرخصی راهی خانه ها کرده است و سرانجام زمانی که شمار مبتلایان در سطحی وسیع رو به افزایش رفته است، با هدف فرار از درمان آن ها حاضر به مرخصی بخشی از اسیران شده است. رژیم در همه این موارد آزار و شکنجه و کشتار زندانیان را مبنی جهتگیری و تصمیم خود قرار داده است.

**سقوط رژیم ها
علاج درد نیست،
سرمایه داری و
دولتش را نابود
کنیم.**

**www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
[@alayhesarmaye](#)**

